

## در گرامیداشت ۱۶ آذر، روز دانشجو فرزند کارگرانیم ، کنارشان می مانیم!

در ۶۵مین سال از شانزده آذر ۱۳۳۲ که جنبش دانشجویی علیه رژیم کودتایی محمد رضا شاه قد برافراشت، غول خفته بیدار میشود و فرزندان کار و زحمت، فریاد همبستگی شان با هفت تپه و فولاد و اعتصاب دلیرانه کارگران به گوش میرسد. گفته بودیم که این صدا را نمیتوان خاموش کرد. این صدا، دیگر بار چون قفتوسی سرفراز از آتش سرکوب و استبداد اسلامی برخاسته است. جنبشی که با جانفشانی و شجاعتش، قهرمانانی چون قندچی ها، شریعت رضوی ها و بزرگ نیاها را فراوانی را در مبارزه علیه استبداد شاهنشاهی از دست داد، هرگز در مقابل زور و ظلم و استبداد و سلطه ساکت نماند. جنبش دانشجویی ایران، بار دیگر در تلاش برخاستن و همبستگی با جنبش کارگری و محرومان ایران است. آنان با شعار " ما فرزندان کارگرانیم ، کنارشان میمانیم " به میدان آمده اند.

در سالگشت ۱۶ آذر، روز دانشجو، باید یادآوری کرد که دانشگاه و دانشجو همواره مورد خصومت و دشمنی و کینه روحانیت بوده است. این خصومت ارتجاع مذهبی با دمکراسی، ترقی خواهی و تجدد، سابقه ای دیرینه دارد. از انقلاب مشروطیت تا ۲۸ مرداد ۳۲ تا انقلاب ۵۷ و در همه فواصل این تاریخ، روحانیت در کنار و همراه و مشوق سرکوبگران دانشگاه و دانشجو بوده است. جای تعجب نیست که حاکمان اسلامی از همان فردای به قدرت رسیدن، شمشیر را علیه اهداف والای دانشجویان از رو بستند. حاکمان اسلامی که از فعالیت آزادیخواهانه و ضد دیکتاتوری دانشجویان و ارتباطات آنها با سازمانهای مبارز و چپ و پایگاه گسترده آنها در دانشگاهها اطلاع داشتند، اصلی ترین برنامه خود پس از سرکوب ملیتهای تحت ستم را نابودی رهروان علم و آگاهی و روشنگری در دانشگاهها قرار دادند و در اردیبهشت ۵۹ نخستین انقلاب فرهنگی خود را به اجرا در آوردند. هدف، تربیت نسل مؤمن به انقلاب اسلامی و معتقد به اسلام و ولایت فقیه بود. قتل و اعدام تعدادی از دانشجویان و حامیان آنها در جریان " انقلاب فرهنگی "، محرومیت از تحصیل و اخراج هزاران دانشجو و صدها استاد، دستگیری شمار زیادی از دانشجویان و استادان و تیرباران تعداد زیادی از آنها پس از سی خرداد شصت، دو سال و اندی تعطیلی دانشگاهها، تحمیل یک دهه رکود سیاسی بر محیط دانشگاهها، امنیتی کردن محیط های دانشگاهی و سهمیه بندی دانشجویی از پی آمدهای این انقلاب اسلامی به راستی ضد فرهنگی حاکمان آزادی کش بود.

اعتراضات گسترده دانشجویی در حالی شکل میگیرد که پس از سرکوب ۸۸ و بازداشت ها و تصفیه های گسترده، رژیم اسلامی انقلاب دوم فرهنگی اش را پیاده کرد. با هدف اسلامی کردن سیستم آموزشی، ایجاد دانشگاههای تک جنسیتی، تفکیک جنسیتی کلاسهای درس، تفکیک جنسیتی در بیش از ۶۰۰ رشته دانشگاهی، حذف بسیاری از رشته های علوم اجتماعی و تزریق شریعت اسلامی به دروسهای دانشگاهی، برچیده شدن انجمن های صنفی دانشگاهها و انتصاب گسترده حزب الهی ها، تلاش کرد سیاست مهار و کنترل دانشگاه و دانشجو توسط روحانیت و عوامل وزارت اطلاعات را به اجرا درآورد. جنبش دانشجویی امروز، مبارزه علیه استبداد، تبعیض جنسیتی، کالا سازی آموزش، تبعیض علیه ملیتها و اقوام و پیروان مذاهب و آیین های گوناگون و دفاع از حقوق محرومان و لگدمال شده گان، آزادی ایجاد تشکلهای دانشجویی دگراندیش و مستقل از جناحهای قدرت و تلاش برای لغو بی چون و چرای طرح استثماری کارورزی دانش آموختگان دانشگاهی و خصوصی سازی آموزش را در دستور کار خود قرار داده است.

بیش از پنج میلیون دانشجوی دانشگاههای کشور، بعنوان بخش بزرگی از جامعه جوان ایران، پیوندهای عمیق و گسترده ای با کارگران و زحمتکشانشان دارند. بی سبب نیست که فعالان جوان دانشجویی از هر امکانی برای انعکاس مسائل اجتماعی مردمان ایران بهره گرفته اند. آنان صدای بی صدای مردمان محروم و لگدمال شده هستند. دانشجویان، همچون مادران و پدران و دیگر هموعانشان شاهدان سیاست غارت سازمانیافته اموال عمومی، بیکاری میلیونی و فقر و فلاکت عمومی هستند. سیاستی که نشانه اجرای سیاست های نئولیبرالیسم هار توسط دولت های رفسنجانی و خاتمی و احمدی نژاد و روحانی در همراهی با غارتگری سازمانیافته بنیادها و نهاد های پیوسته به دستگاه رهبری است. سیاستی تبهکارانه و علنی درویران سازی سازمانیافته جامعه مدنی و زیر ساختهای اقتصادی و اجتماعی جامعه مدرن و سقوط به قهقرای اسلام فقاهتی! در مقابل این سیاست، همواره به اشکال مختلف، شاهد اعتراضات و مقاومتها مردمی بوده ایم که نقش دانشجویان و جوانان مبارز و آگاه بسیار مهم بوده است. موقعیت بی نظیر دانشجویان به خاطر پایگاه اجتماعی گسترده در تمامی لایه ها و طبقات اجتماعی نقش ویژه آنها را به عنوان لولای اتصال جنبش های اجتماعی در پیوند با خود سازمانیابی کارگران و زحمتکشانشان برجسته می کند. دانشجویان می توانند در دو سطح پیگیری مطالبات اخص خود و پیوند آنها با مطالبات دیگر جنبش ها نقش پیشگام و آگاهگر خود را با جدیت پی بگیرند. آنان باید نقش برجسته خود را در سازمانیابی و همگرایی و همبستگی کارگران، بیکاران، زنان و جوانان، دگراندیشان و فعالان ملی و فرهنگی و مدنی و اجتماعی، جنبشهای زیست محیطی و... بردوش گیرند. دانشجویان میتوانند از طریق همین پیوندهای گسترده و طبیعی با مردمان در محیط زیست و زندگی و کارشان، به سازماندهی مستقل و همبستگی جنبشهای اجتماعی برای آزادی و برابری یاری رسانند. ایران تشنه یک تحول بزرگ و حیاتی برای عبور از این دوره تاریک استبداد دینی و سرمایه داری اسلامی است، ایران و مردمان آن سزاوار آزادی و برابری و صلح و رفاه و حرمت انسانی اند، با وجود بختک رژیم اسلامی نمیتوان به این آرزوهای دیرین جنبش دانشجویی، به آرزوهای رضوی ها و بزرگ نیاها و قندچی ها دست یافت. جنبش دانشجویی ایران برای رسیدن به اهدافش باید به وظیفه ی تاریخی اش عمل کند، شرایط بیش از هر زمان دیگری برای این امر مهیا شده و میشود.

بعد از خیزش دیمه سال ۱۳۹۶، کارگران و زحمتکشان وارد دوره‌ای نوین از اعتراض و رودرویی آشکار با حکومت اسلامی به منظور پایان دادن به عمر ننگین و سرکوبگرانه آن شده اند. اعتصابات گسترده کارگری و طولانی مدت طی یک ماه اخیر در هفت تپه و فولاد اهواز و راه پیمایی های شجاعانه مردمان شوش و اهواز، اعتصاب سه هفته ای رانندگان کامیون، اعتصاب و اعتراض متشکل و سازمانیافته معلمان سراسر کشور، اعتصاب عمومی مردم کردستان در محکومیت اعدام زندانیان سیاسی و موشک باران مقرهای احزاب اپوزیسیون به فراخوان احزاب و سازمانهای سیاسی در ۲۱ شهریور امسال، راه پیمایی و میتینگ درخشان مردم مریوان و سنندج بمناسبت مرگ دلخراش فعالان زیست محیطی مریوان، تنها گوشه هایی از نبرد و تقابل کارگران و زحمتکشان ایران علیه حکومت اسلامی است.

بر متن تحولات کنونی، بر بستر شرایط مناسب تر از گذشته و در تغییر توازن قوا میان جبهه انقلاب و ضد انقلاب، امسال جنبش دانشجویی در شرایط مناسب تری به استقبال ۱۶ آذر روز دانشجو می رود. جنبش دانشجویی در ایران امروز بیش از هر زمان دیگری، به هم سرنوشتی جنبش کارگری و جنبش دانشجویی و جنبش های اجتماعی دیگر، برای تغییر شرایط موجود و سرنوشتی انقلابی رژیم اسلامی پی برده و با شعار " فرزند کارگرانیم، کنارشان میمانیم"، آینده روشنی از پیوندهای طبقاتی را در مبارزه علیه رژیم سرمایه داری اسلامی نوید میدهد.

تظاهرات فراخوان داده شده دانشجویان دانشگاههای کشور به نشانه اعتراض به وضعیت معیشتی کارگران، معلمان و حمایت از طبقات فرودست، تظاهرات و اکتیوین علیه دستگیری معلمان اعتصابی و کارگران اعتصابی و خواست آزادی فوری اسماعیل بخشی و علی نجاتی و سپیده قلیان و معلمان بازداشتی، حمایت از فعالان زیست محیطی و همراهی با محروم ترین های جامعه، افشای سیاست های تبهکارانه و فریبکارانه دولت روحانی در خصوصی سازیها و غارت های سازمانیافته، پرافراشتن تصویرها و پلاکاردها در حمایت از اعتصاب هفت تپه و... همه و همه نشانه های امید بخشی از پیوندها و هم سرنوشتی دانشجویان و خانواده های کارگری و اکثریت عظیم مردمان ایران دارد. طبیعی و روشن است که اگر این جنبش های مبارزاتی به هم پیوند یابند و با هماهنگی و همیاری و همکاری و همسویی در جهت سازماندهی و ایجاد تشکلهای مستقل و کارآمد پیش روند، پروسه سرنوشتی رژیم اسلامی سرمایه تسریع خواهد شد و ایران خواهد توانست بر شانه های این جنبشهای اصیل و مردمی، از این تاریکی و وحشت اسلامی گذر کند و آینده ای در رفاه و آزادی و برابری و مدنیت برای مردمانش فراهم کند.

**سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی!**  
**زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم!**

کمیته مرکزی سازمان راه کارگر  
آذر ۱۳۹۷

[www.rahekaregar.com](http://www.rahekaregar.com)